

آیت الله بروجردی و وحدت مسلمانان

سید محمد مهدی میر جلیلی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی

چکیده

حدود یک قرن می‌گذرد که جهان اسلام دچار تشقت و واگرایی گروه‌های مذهبی در درون خود گردیده است. جنگ‌های مختلفی که در این مدت در درون جهان اسلام اتفاق افتاده است، گواه بر این اختلافات خانمان‌سوز می‌باشد. نقش آیت الله بروجردی در نزدیکی مذاهب شیعه و سنی زیانزد خاص و عام است. ایشان با رویکرد مهم فقه‌مقارن در حوزه‌های علمیه باعث نزدیکی جهان اسلام و اتحاد اسلامی گردیدند. آیت الله بروجردی معتقد بودند که مسئله خلافت، مسئله امروزین شیعه و سنی نیست که مانع هم‌گرایی مسلمانان گردد. برخوردهای عالمانه و دور از تعصب ایشان، باعث نزدیکی مراکز علمی شیعه و سنی گردید، به طوری که شیخ محمود شلتوت از مفتیان بزرگ الازهر مصر، شیعه را در شمار مذاهب اهل سنت برشمرد. ایشان با حرکتهای اختلاف برانگیز که درون مذهب شیعه اتفاق می‌افتاد، شدیداً جلوگیری می‌کرد. حرکتهای اصلاح‌گرایانه آیت الله بروجردی باعث تحولی عمیق در حوزه‌های علمیه جهان اسلام گردید و در انقلاب اسلامی توسط حضرت امام خمینی (ره) احیا و امروز با سیاستهای تقریبی مقام معظم رهبری پیگیری و دنبال می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اتحاد اسلامی، آیت الله بروجردی، فقه مقارن، رویکرد تقریبی، شیعه و سنی.

مقدمه

اتحاد بین مسلمانان همواره مورد تأکید علمای بزرگ روشن بین اسلامی بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی نیاز به این وحدت مضاعف گردید؛ به طوری که بنیانگذار انقلاب اسلامی یک هفته را به عنوان هفته وحدت نامگذاری کردند. این سیاست وحدت توسط مقام معظم رهبری دنبال شد. اثرات ثمربخش این سیاست امروز کاملاً مشهود است. بدون شک این سیاست متکی بر سنت دیرینه علمای اسلام می‌باشد. در این مقاله به گوشه‌ای از این سنت در مکتب حضرت آیت الله بروجردی اشاره می‌شود. آیت الله بروجردی از جمله مراجع برجسته و عالمان بزرگی بود که همواره موضوع وحدت مسلمانان و تقریب مذاهب اسلامی را در کانون توجه خود داشت. ملاحظه اوضاع نابسامان مسلمانان، سیطره کفار بر کشورهای اسلامی و غلبه روحیه عداوت و بدبینی بین مسلمانان، مسائلی بودند که عزم وی را برای وحدت و همدلی مسلمانان راسخ تر نمود. وسعت اطلاعات آن مرجع نواندیش از منابع حدیثی، فقهی، رجالی و تاریخ اهل سنت، در کنار اشراف کاملش به منابع شیعی، به وی چنان قدرتی داده بود، که می‌توانست تشابهات و تفاوت‌های بین مذاهب را تحلیل کرده، اندیشه تقریب مذاهب را تا جایی که اصول و مبانی آن مذاهب اجازه می‌دهد، پیش ببرد. حمایت مادی و معنوی مستمر آیت الله بروجردی از دارالتقریب که در سال ۱۳۲۷ش در قاهره و با دبیر کلی شیخ محمد تقی قمی شکل گرفت، نشانگر اهتمام وی به وحدت و انسجام مسلمانان

است. شاید در میان مراجع شیعی کسی را نتوان یافت که به پایه معظم له در راه تقریب بین مذاهب اسلامی کوشیده باشد. نظر به اهمیت دیدگاههای او، بر آن شدید سیری در اندیشه تقریبی ایشان داشته باشیم. «بی طرفی مثبت» آیت الله بروجردی در جریانات سیاسی، به معنای انفعال او در دنیای جدید مسلمانان نبود، بلکه او یک چنین «مماشات» معنی داری را به عنوان یک تز سیاسی تلقی می کرد و نه یک تز در برابر سیاست. از این رو آیت الله بروجردی، شیعه و مسلمانان را در یک جغرافیای جهان گستر می نگرسته اند که اندیشه های رقیب در پی پاره پاره کردن مسلمانان است. مسلمانان در عرصه ای از تاخت و تازهای سیاسی و اقتصادی و فلسفی و ایدئولوژیک واقع شده اند که هیچ مذهب و فرقه ای از آنان نه تنها بدون دیگران یارای مقابله ندارد، بلکه به بره ای می ماند که از گروه بزرگ «جماعت مسلمانان» دور افتاده و طعمه رقیب می شود (فیرحی، ۱۳۸۲ش، ص ۱۰۰). آیت الله بروجردی در چنین دورانی قرار گرفته بود و زعامت جامعه اسلامی را به عهده گرفت که جنگ فرقه ها، پیکره جامعه اسلامی را فسرده بود. دره ای عمیق بین فرقه ها، به ویژه شیعه و سنی که هسته اصلی جامعه اسلامی را تشکیل می دهند، ایجاد شده بود ... این موضوعی بود که آیت الله بروجردی کاملاً بر آن وقوف داشتند و جزء دغدغه های ذهنی ایشان بود به طوری که آیت الله سید محمدباقر طباطبایی می گوید: «از آن زمان که در بروجرد تشریف داشتند تا آخر عمر، همواره در عمل و گفتار، اهتمام کامل برای مسئله وحدت داشتند و عملاً راه رسیدن به آن را نیز نشان دادند» (سلطانی طباطبایی، ۱۳۷۰ش، ص ۳۳).

تأثیر حوزه علمیه اصفهان بر شخصیت تقریبی آیت الله بروجردی

شاید حوزه علمیه اصفهان بیشترین تأثیر را به این نحوه از برخورد، بر آیت الله بروجردی داشته باشد. در این زمینه تحلیلی از آیت الله واعظزاده خراسانی می تواند مبین این موضوع باشد. ایشان می فرماید: من در تحلیلهای خودم به این نتیجه رسیده ام، که این طرز تفکر را ایشان از حوزه اصفهان گرفته است. در آن حوزه، ایشان استادی داشته است، به نام مرحوم سید محمدباقر درچه ای که این گونه می اندیشیده است. البته مطالعات چهل ساله ایشان در بروجرد و اطلاع وسیع از حدیث و رجال و فقه اهل سنت، حتماً در این اندیشه مؤثر بوده است. این تفکر؛ یعنی اندیشه اتحاد و توجه به فقه اهل سنت، تا همین اواخر در حوزه اصفهان ادامه داشت. احتمال می دهم که مرحوم آیت الله بروجردی، تحت تأثیر تفکر این طیف از علما بوده است و گرنه حوزه نجف جای این تفکر نبوده است (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۲۱). بعد از کاشته شدن این نهال در ذهن و فکر آیت الله بروجردی بر اثر مطالعات دقیق، ایشان در زمینه های مختلف به این باور رسیدند که باید در برخورد با اهل سنت با دیدگاه جدید نگاه کرد و می فرمودند: «مسئله خلافت، امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که ما با هم دعوا کنیم، هر که بود، امروز چه نتیجه به حال مسلمانان دارد؟ آنچه که امروز به حال مسلمانان مفید است، این است که بدانند احکام را باید از چه مأخذی اخذ کنند» (دوانی، بی تا، ج ۲، صص ۱۵ و ۲۲۳). به طور حتم آیت الله بروجردی که عمری را در کسب اطلاع از آن منابع صرف کرده بود، چنین اندیشه مقدسی را برای وی فراهم آورده

بود. ولی ریشه همه این مسائل به دوران تحصیل وی در اصفهان بر می‌گردد. وی تحصیلات خود را پس از طی مقدمات در بروجرد، در حوزه علمیه عراق و جامع اصفهان گذرانده و خاطرات خوشی از دوران تحصیل خود در اصفهان داشت و با وجد بر زبان می‌آورد. این حوزه هزار ساله تا آن هنگام، سنتهای علمی پیشین را در خود حفظ کرده بود و هنوز سنتهای پسندیده قدما را فراموش نکرده بود، سنتهایی که بر علوم نقلی، هم‌تراز با علوم عقلی، تأکید داشت، به علاوه شخصیت‌های خبیر و مطلع از علم حدیث و علم رجال و تراجم و مانند آن در این شهر وجود داشتند، علومی که در دیگر حوزه‌های علمی شیعه در شرف فراموشی بود.

مکتب اصفهان، در حدود هزار سال دارای فعالیت و نشاط علمی و سابقه تحقیق در این علوم به خصوص در روزگار درخشان صفویه و مدتی پس از آن، و حلقه‌های علمی در جمیع فنون به خصوص در علم رجال و تراجم در آن دایر بود. شخصیت‌هایی مانند ابونعیم اصفهانی (۳۳۶-۴۳۰ق) جد اعلاي خاندان مجلسی، و صاحب کتاب *حلیه الاولیاء* و سید محمدباقر مولوی صاحب کتاب *بازرزش روضات الجنات فی تراجم الفقهاء و السادات*، حدود ۱۵۰ سال است که هردو تن در اصفهان زندگی می‌کردند و اعقاب و خاندانهای آنان هنوز از خاندانهای علمی معروف این شهر هستند، از جمله خاندان علامه مجلسی که از نسل «ابونعیم» هستند.

این حوزه علمیه اثر خود را بر این طلبه جوان بروجردی با آن همه استعداد ذاتی، گذاشت و خط مشی آینده او را که بعد از او مشاهده شد ترسیم کرد؛ علاوه بر این، در بعد علمی، آن شیوه اصلاحی میان فرق اسلام را هم از اصفهان کسب کرد. استاد مهم او در این حوزه که از آغاز تا پایان با او دمساز بوده است، مرحوم سید محمدباقر درچه‌ای می‌باشد که ایشان هم اندیشه وحدت اسلامی را داشته است. وی از خاندان معروف میر لوحی، فیلسوف معروف عصر صفویه است که با نحوه تفکر مجلسی و امثال او در جهت مخالف بوده و داستانهای آن دو عالم در کتابها آمده است.

این اندیشه اصلاحی اتحاد اسلامی و عنایت به حدیث و فقه اهل سنت، تا همین اواخر در حوزه اصفهان ادامه داشت، و چنان که معروف است مرحوم حاج آقا رحیم ارباب بر این باور بود و به احتمال قوی آیت الله بروجردی تحت تأثیر این طیف از عالمان بوده است.

فقه مقارن و آیت الله بروجردی

آیت الله بروجردی در مسائل فقه مقارن به مسائل خلافی اهمیت می‌داد؛ یعنی معتقد بود مسائل فقهی، نه تنها در سطح مذاهب امامیه، بلکه باید در سطح همه مذاهب فقهی اسلامی مورد بحث قرار گیرد و در هر مسئله مهم مورد اختلاف، ادله همه مذاهب منظور گردد. به خاطر همین امر، این مرد بزرگ کتاب «مسائل الخلاف» شیخ طوسی را با

تحمل مشقاتی در تصحیح آن، چاپ کرد و گاه به گاه این کتاب را با خود به جلسه درس می‌آورد و از محل مورد نظر عبارات شیخ طوسی را می‌خواند تا طلاب کم کم به این روش عادت کنند. این ابتکار، باعث گردید که مجتهدان شیعه علاوه بر کتب فقهی شیعه امامی به کتابهای فقهی مذاهب دیگر رجوع کنند، و دقت و تلاش پیگیر آن مذاهب را در مسائل مهم فقهی مشاهده نمایند، و ضمناً به این نکته برسند که فقه یک علم مشترک است بین همه مذاهب اسلامی که با هم پیوند و در یکدیگر تأثیر متقابل دارند، و هم اکنون نیز می‌توانند از نظریات یکدیگر به خصوص در مسائل نوپیدای فقهی بهره ببرند. ایشان تا کنون بسیاری از مسائل مورد نیاز عصر امروز مانند مسئله بیمه، بانکداری، پیوند اعضاء و مانند آنها را در دوره‌های مختلف، مورد بحث قرار داده و در چندین جلد کتاب و مجله نشر داده است. ایشان توجه زیادی به فتاوا و روایات اهل سنت داشت و معتقد بود که با مراجعه به آثار اهل سنت بهتر می‌توان روایات ائمه (ع) را فهمید و فتوا داد. ایشان بر این عقیده بودند که: «فقه شیعه به منزله حاشیه‌ای است بر فقه اهل سنت ... و این شیوه از شیوه قلمای قه‌های ما بوده است. قلمای ما نه تنها به مسائل خلاف توجه می‌کردند، که آن را لازم نیز می‌شمردند». براساس همین باور بود که مرحوم بروجردی بر خلاف شیخ طوسی حاشیه زدند و آن را چاپ کردند (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۱۵). ایشان خیلی به آراء شیخ طوسی اهمیت می‌داد و آیت الله بدلا می‌گوید که در اندیشه این بودند که: «الفقه علی المناهب الخمسه» را بنویسند (بدلا، ص ۱۰۳). آیت الله بروجردی به فقه مقارن و تطبیقی اهمیت به سزایی می‌دادند، به طوری که در هنگام تدریس در هر مسئله‌ای، نقطه نظر اهل سنت، دیدگاه اهل بیت و پس از آن انعکاس تصور مسئله مطروحه را در فقه شیعه بیان می‌کردند و در آخر نظر خود را می‌گفتند و در نقل مسائل بین شیعه و سنی، بدبینانه برخورد نمی‌کردند، بلکه تلاش و جدیت می‌کردند که علت اختلاف فتوا را بیان کنند (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۰ش، ص ۲۱۶). آیت الله بروجردی معتقد بود با مراجعه به فتاوی رایج اهل سنت در عصر ائمه (ع) بهتر می‌توان روایات و اقوال ائمه را فهمید؛ زیرا گفتار آنان با توجه به آن فتاوی صادر گردیده است.

دارالتقریب و آیت الله بروجردی

نتایج این تلاش و دغدغه‌های آیت الله بروجردی در این زمینه به همکاری با «دارالتقریب» منجر شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۷۰). پس از اشغال فلسطین، اندیشه وحدت بین مذاهب اسلامی یکی از دغدغه‌های علمای اسلامی بود. دانشگاه الازهر مرکز علمی مصر به دلیل قدمت تاریخی آن و عوامل محیطی و ظهور عالمانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی شیعه و شیخ محمد عبده سنی و شاگردان آنها در مصر، به مسئله فلسطین، بیش از سایر مراکز علمی جهان، ندای وحدت را سر داد. دارالتقریب به همت عالمان سنی و رؤسای الازهر و «حاج شیخ محمدتقی قمی» - که برای تدریس قبل از دهه ۲۰ به مصر رفته بود - در سال ۱۳۲۵ش تأسیس شد و مورد حمایت آیت الله بروجردی از

ایران و آیهت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء از عراق و آیت الله عبدالحسین شرف‌الدین از لبنان قرار گرفت. فهمی هویدی در مجموعه مقالاتی که به عنوان بزرگداشت آیت الله بروجردی و شیخ محمود شلتوت چاپ شده است، از قول مؤسسان سنی مذهب دارالتقرب گفته است: «رأس الجمعية أول تأسيسها احد كبار المصلحين في مصر آنذاك، هو محمدعلي علي باشا، الذي كان وزيرا في عدة حكومات (للأوقاف و المعارف) و عينته مصر اول سفير لها في باكستان و كان بين الاعضاء الشيخ عبدالمجيد سليم رئيس هيئة الفتوى بالازهر (صار شيخا للازهر فيما بعد) و الشيخ احمدحسين مفتي وزارة الأوقاف، و الشيخ محمود شلتوت الذي كان عضوا بهيئة كبار العلماء (صار بدوره شيخا للازهر) و الشيخ محمد عبداللطيف وكيل الازهر و الشيخ عيسى ممنون، عضو هيئة كبار العلماء و رئيس الجمعيات الشريعة و الشيخ حسن التبا رئيس الاخوان المسلمين و الشيخ عبدالوهاب خلاف و الشيخ علي الخفيف و هما من كبار سادة الفقه و التشريع بالجامعة و الشيخ محمد المدني الاستاذ الازهر (اصبح وكيلاً ملازهر فيما بعد). و الى جانب هؤلاء كان من بين الاعضاء الحاج امين الحسيني مفتي فلسطين و الشيخ محمدتقي قمی مثلاً للشيعة الامامية و علي بن اسماعيل المؤيد و القاضي محمد عبدالله العمرى عن الشيع الزيدية» (فهمی هویدی، ۱۴۲۲ق). از ثمرات حضور نماینده مذهب شیعه در دارالتقرب و پشتیبانی آیت الله بروجردی از این جمع این شد که شیخ محمود شلتوت در جواب استفتایی که از او شد: «ان بعض الناس يرى أنه يجب على المسلم لكي تقع عباداته و معاملاته على وجه صحيح ان يقلدالمذاهب الاربعة المعروفة و ليس من بينها مذهب الشيعة الزيدية. فهل واقفون فضيلتكم على هذا رأى على اطلاقه فتمعنون تقليد مذهب الشيعة الامامية الاثنا عشرية مثلاً؟». شیخ محمود شلتوت بعد از اینکه در قسمت اول فتوای خود می گوید که: «ان الاسلام لا يوجب على من احد من أتباعه مذهب معين» در بخش دوم ادامه می دهد: «ان مذهب الجعفرية المعروف بمذهب الشيعة الامامية الاثنا عشرية مذهب يجوز التعبد به شرعا كسائر مذاهب اهل السنة فينبغي للمسلمين ان يعرفوا ذلك و ان يتحصلوا من العصبية بخير الحق لمذاهب معينة فما كان دين الله و ما كانت شريعة بتابعة لمذهب او مقصورة على مذهب فالكل مجتهدون عندالله تعالى يجوز لمن ليس اهلاً للنظر والاجتهاد تقليد هم و العمل بما يقررونه في قههم و لا فرق في ذلك بين المبادات و العائلات» (بیومی، ص ۲۵۴). علاوه بر صدور فتوا و عمل بر طبق فقه شیعه، کرسی درسی نیز، برای تقریر فقه جعفری در جامعه الازهر مصر بنیان گذاشته شد. شیخ محمود شلتوت در نامه‌ای به محمدتقی بافقی آورده است: «تقرير دراسة فقه المذاهب الاسلامية الشيعية مع مذاهب السنية في الازهر و في كله الشريعة على وجه المخصوص» و در این راستا برای ارائه تفکر دارالتقرب مجله «رسالة الاسلام» نیز برای فکر تقریبی بین مسلمانان چاپ و انتشار یافت و اهداف آن بیان شد که: «ليس من غاية التقرب بين المذاهب ان يترك السني مذهبه أو الشيعي مذهبه انما غاية التقرب ان يتعد الجميع حول الاصول المتفق عليها» (فیومی، ص ۹۴). اینچنین در یک دوره‌ای سران مذاهب مختلف با ژرف‌اندیشی خاصی توانستند گفتمان وحدت را شکل دهند و بر اصول مشترک خود تکیه کنند و به ارائه نکات وحدت برسند و این ممکن نمی شد مگر با نبودن عصبیتی که در طرفین این اتحاد بود و هر چیز که به این اتحاد لطمه می زد، سریعاً از طرف آیت الله بروجردی مورد مؤاخذه قرار گرفت که ما به چند نمونه از این برخوردها اشاره می کنیم. یکی از

شاگردان ایشان در این زمینه می‌فرماید: «روزگاری که بین اسرائیل و مصر جنگ شدیدی در گرفته بود، اتفاقاً مرحوم علامه امینی، طاب ثراه، به اصفهان آمده و منبر می‌رفت، منبرهای ایشان، به طور طبیعی تعریض نسبت به خلفاء را به همراه داشت. در همان زمان، یک روزی در نزد آیت‌الله بروجردی بودم، که ایشان فرمودند: «در این وقت که اسرائیل به مسلمانان حمله کرده است و آنان را قتل عام می‌کند و سرزمینهای مسلمانان را اشغال می‌کند، راه انداختن جنگ بین شیعه و سنی چه معنی دارد؟! این کار درستی نیست.» ایشان کتب جدیدی که چاپ می‌شد را مطالعه می‌کردند و متون اختلافی را از آنها حذف می‌کردند، برای مثال روزی یکی از آقایان حوزه علمیه قم کتابی نوشته و کل ابواب فقه را به نظم درآورده و زحمت زیادی را در این راه متحمل شده بود، ولی در اول کتاب به یکی از خلفاء توهینی شده بود که ایشان فرمودند نشر این کتاب حرام است و بعد از برداشتن توهین از اول کتاب توسط نویسنده اجازه نشر آن داده شد» (البدرا الزاهر، ص ۲۵۲). آیت‌الله بروجردی در راه این وحدت حتی از عالمان منصف و روشن اهل سنت به عنوان یک مرجع دینی در درس خود تجلیل و تکریم می‌کرد. روزی در سر درس از عبدالمجید سلیم و روزی در درس از شیخ محمد عبده تجلیل کرد» (واعظزاده خراسانی، ۱۳۷۰ ش، ص ۲۲۵). به هر حال آیت‌الله بروجردی با اشراف بر زمانه‌ای که مسلمانان در آن می‌زیستند و نیاز شدید آنها به وحدت وجود داشت، با روشن بینی خاص خود و اشراف ایشان بر تفسیر و تاریخ و معارف اسلامی از «دارالتقریب» حمایت کرد، که علاوه بر نتایج فوق کتب «جمع البیان» طبرسی، «مختصر النافع»، «حدیث ثقلین» و غیر اینها در «جامعه الازهر» مصر به چاپ رسید و یقیناً اینها حاصل برخورد آیت‌الله بروجردی بود که ریشه در عمق معرفت ایشان به اسلام داشت. ایشان به حدی در این راه وحدت مصمم بود که با عنایتی و ارادتی که به اهل بیت (ع) داشت به خاطر حفظ وحدت اجازه نمی‌داد که کسی به مقدسات اهل سنت اهانت کند (فاضل لنکرانی، ص ۱۵۲).

این اشتیاق به وحدت به عنوان دغدغه‌ای بود که دائماً فکر و ذهن آیت‌الله بروجردی را به خود مشغول کرده بود و به عنوان پروژه‌ای بود که از اول دوران تحصیلی تا آخرین لحظه عمر خود این پروژه را دنبال می‌کرد. به طوری که نقل کرده‌اند که آیت‌الله بروجردی در آخرین لحظه حیات، چشمانش را گشود و فرمود: «آقا شیخ محمدتقی به مصر رفت یا خیر؟». او این سؤال را آن مرحوم به این خاطر کرده بود که در آن زمان رابطه بین مصر و ایران خوب نبوده است. بی شک اگر در روزگار و عهد جمهوری اسلامی به وحدت رسیده باشیم، حاصل پیگیریهای جدی و دغدغه‌های مرجع تقلیدی است که عمری از این وحدت غافل نبود و این مدعا را می‌شود در روش تدریس فقه و برخورد و عملکرد ایشان در رابطه با اهل سنت پیگیری نمود.

نتیجه

اصولاً آیت‌الله بروجردی، برخلاف بعضی از معاصران که مسئله «خلافت» و «امامت» را به نحو خاصی مطرح می‌کنند که موجب تشدید اختلافات می‌گردد، معتقد بودند که این مسئله یک امر تاریخی است و روش حضرت

علی (ع) در مقابل خلفا، نشان می‌دهد که برای مصلحت اسلام، نباید به این مسئله دامن زد، بلکه باید به فکر مسائل دیگری بود که موجب وحدت مسلمانان در مقابل دشمنان گوناگون گردد و حتی خطاب به بعضی از علمای حوزه فرموده بود: «مسئله خلافت امروز مورد نیاز مسلمانان نیست که ما با هم دعوا کنیم. هرچه بوده اکنون یک مسئله تاریخی است، آنچه که امروز به حال مسلمانان سودمند است این است که بدانیم احکام را از چه مأخذی باید اخذ کنیم». ایشان بسیار علاقمند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است، تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند معرفی شود. از حسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم‌له که هنوز ایشان در بروجرد بودند، «دارالتقریب بین المذاهب اسلامی» به همت جمعی از روشن‌فکران سنی و شیعه تأسیس شده و معظم‌له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر و با این مؤسسه کمک و همکاری کرد. برای اولین بار بعد از چند صد سال، بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او شیخ محمود شلتوت مفتی حاضر و رئیس جامع الازهر، روابط دوستانه برقرار شد و نامه مبادله گردید. معظم‌له عشق و دل‌باخته این موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می‌زد، عجیب این است که در حادثه قلبی اخیر که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اول که عارض شد، مدتی بی‌هوش بوده‌اند، بعد که به هوش آمدند، قبل از آنکه توجهی به حال خود بکنند و در این موضوع حرفی بزنند، موضوع تقریب مذاهب و وحدت مسلمانان را مطرح می‌کنند و می‌گویند من آرزوها در این زمینه داشتم. امام خمینی نیز نظراً و عملاً ادامه دهنده راه وحدت‌بخش و روش تقریب بین مذاهب آیت الله بروجردی بود. در این زمینه به نظرات و اقدامات زیادی، چه پیش از انقلاب و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌توان اشاره کرد. در اینجا به چند مورد از نظرات و تأکیدات حضرت امام اشاره می‌شود (خمینی، صحیفه امام، ج ۶، ص ۱۳۳).

امام خمینی می‌فرماید: «ما با مسلمانان اهل تسنن یکی هستیم؛ واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم. اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود، بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند که می‌خواهند بین مسلمانان اختلاف بیندازند. قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست، ما همه با هم برادریم». ایشان درباره رعایت حق و حقوق اهل سنت پس از پیروزی انقلاب اسلامی تذکر می‌دهند که: «برادرهای سنی ما مثل ما هستند، با ما هیچ فرقی ندارند در حقوق؛ حقوق همه آنها داده خواهد شد. شرکت کنند آنها هم در آنچه سرنوشت آنها را تعیین می‌کند» (همان). «به حرف اشخاصی که بین آنها می‌خواهند تفرقه بیندازند، می‌خواهند به اسم سنی و شیعه بین ما برادرها را جدایی بیندازند و منافع ما را به جیب دیگران بکنند، به حرف اینها اعتنا نکنید» (همان، ج ۶، ص ۴۳۴).

درباره پیشگیری از توطئه دشمنان و ندانم کاریهای مقدس‌مآبها و متحجران از شیعه، خطاب به روحانیت و ائمه جمعه و جماعت سراسر کشور می‌فرمایند: «باید همه ما توجه داشته باشیم که مبادا یک وقت تبلیغی بشود که در طول تاریخ تقریباً شده است که ما را، برادرها را از هم جدا کردند. اهل سنت را با ما جدا کردند. ما را از آنها جدا کردند. باید اینها را توجه بکنیم. باید ما با هم برادر باشیم. نگذاریم دیگران بیایند همه چیزمان را ببرند و ما بنشینیم سرش دعوا بکنیم سر یک چیزی که نباید دعوا بکنیم... خطبا هم در خطبه‌های خودشان مردم را بیدار کنند. مردم را دعوت کنند به صلاح، دعوت کنند به اینکه این توطئه‌هایی که در اطراف هست، الان این توطئه‌ها برای محو اسلام است» (همان، ج ۱۳، ص ۴۳۹).

و در ادامه جهت مقابله با حرکت‌های تفرقه‌افکنانه و در راستای وحدت عملی بین مسلمانان خطاب به شیعیان اعلام می‌کنند: «لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه، که موجب تفرق صفوف مسلمانان است، احتراز کنند و لازم است در جماعات اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعات در منازل و گذاشتن بلندگوهای مخالف رویه اجتناب نمایند و از افتادن روی قبور مطهره و کارهایی که گاهی مخالف شرع است جداً اجتناب کنند» (همان، ج ۱۰، ص ۶۲). سیاست‌های داهیان آیت الله بروجردی و احیاء آن توسط امام در زمان رهبری معظم انقلاب پیگیری شد. اهمیت این موضوع در بیانات ایشان به وضوح نمایان هست. در این زمینه معظم‌له می‌فرمایند: «اینجاست که مسئله اتحاد و وحدت اسلام و تفاهم اسلامی معنا پیدا می‌کند. ببینید این قضیه چقدر مهم است! ببینید این مسئله برای فردای دنیای اسلام، چقدر حائز اهمیت است! این، قضیه‌ای نیست که به آسانی بشود از آن گذشت. همه باید خود را مخاطب این کلام حساب کنند. من به همه می‌گوییم؛ هم به اهل سنت، هم به شیعه، هم به کتاب‌نویسان، هم به شعراء، هم به مطبوعه‌چینها، هم به کسانی که در بین مردم پایگاهی دارند، حرفی می‌زنند و مستمعی دارند. همه باید این حقیقت را بفهمند و دشمن را بشناسند. مواظب باشید که دشمن در سنگر خودی جا نگیرد. مواظب باشید که شما به جای تهاجم به دشمن، به خودی حمله نکنید. عالم به زمان باشید؛ یعنی دشمن و دوست و عرصه مبارزه را بشناسید. اینها خیلی مهم است» (بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۷۶/۵/؟؟). آنچه که در این جستار اشاره شد تلاش علمای روشن بین شیعه در مواجهه با اهل سنت بود. که در این میان به تلاش‌های حضرت آیت الله بروجردی اشاره شد و نگاهی کوتاه و گذارا به فرمایشات امام راحل و رهبری معظم انقلاب انداخته شد، آنچه باید انجام گیرد، تکیه بر تلاش‌های علمای سلف و پیروی از راه روشنی است که توسط مقام معظم رهبری به خوبی ترسیم گردیده است. این سنت تقریبی در مواجهه اهل سنت می‌تواند مورد ملاحظه در این راه بزرگ قرار بگیرد.

فهرست منابع و مآخذ

فیرحی، داود، «اجتهاد در سیاست در دوره مشروطه»، فصلنامه فرهنگ و اندیشه، سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۸۲ش.

سلطانی طباطبایی، محمدباقر، «مصاحبه»، مجله حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، ۱۳۷۰ش.

واعظزاده خراسانی، محمد، مجله حوزه، شماره ۴۳ و ۴۴، ۱۳۷۰ش.

دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، قم، بنیاد فرهنگی امام رضا(ع)، بی تا.
بدلا، سید حسین.

مکارم شیرازی، ناصر، «مصاحبه با آیت الله مکارم شیرازی»، چشم و چراغ مرجعیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ش.

فهمی هویدی (تجربة التقريب بين المذاهب)، الامامان البروجردی و شلتوت، رائدا التقريب، مجموعه مقالات الملتقى الدولي متكریم الامامين، تهران، ۱۴۲۲ق.

بیومی، عبدالمعلی محمد.

فیومی، محمد ابراهیم.

مقرر البدر الزاهر، «البدر الزاهر فی صلواة الجمعة و المسافر»، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی